

رفراندوم قانون اساسی در میدان جنگ جلوهای است از دموکراسی پست مدرنیستی!

"آراء شمارش می‌شوند و بمبها فرومی‌ریزند. ۷۰ کشته در ایالت الانبار در نزدیکی شهر رمادیه، یک شنبه ۱۶/۱۰/۲۰۰۵. آمریکا می‌گوید اینها همه شورشیانند و مردم می‌گویند تعدادی راکه دفن کرده‌اند غیر نظامی بودند که هدف بمباران قرار گرفتند." (۱۸/۱۰/۲۰۰۵ - به نقل از روزنامه لیبرال سوندی "اخبار روز") همین روزنامه روز بعد در شروع محاکمه‌ی صدام حسین نوشت: اکثر آنها براین باورند که این دادرسی خلص از پیش شناخته شده‌ای است که به رهبری آمریکا صورت می‌گیرد" و باید اضافه کرد که قانون اساسی نویسی و بهر فراندوم گذاشتن آن نیز با چوب‌دستی آمریکا صورت گرفته است. صحبت از افزایش شرکت مردم در این رای گیریست و حتا حدس زده می‌شود که تا ۶۳٪ مردم رای داده باشند که حدود ۸٪ بیشتر از آرای انتخابات مجلس آن کشور می‌باشد. از سوی دیگر از تقلب در آرای دوما منطقه شیعه و کردنشین صحبت به میان آمده است.

در شماره ۶ رنجبر، ضمن بررسی و مقایسه‌ی دو قانون اساسی (قبلی و جدید)، نشان دادیم که هنر قانون اساسی جدید عراق عدول از قانونی سکولار به قانونی مذهبی است. این امر یک عقب‌گرد تاریخی بوده و با تقسیم ملت عرب واحد به دوبخش شیعه و سنی در یک حکومت فدرال، در ظاهر برای دفاع از حقوق دموکراتیک مردم انجام پذیرفته، ولی در واقع به عنوان سیاست استعماری کهن "تفرقه بینداز و حکومت بکن" در قالب نو و پست مدرنیستی در بازار نئولیبرالیستی جهان عرضه می‌شود.

اصل "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا تشکیل دولتهای خودی" اصلی بود که بورژوازی ملل تحت ستم، در دوران رقابت آزاد و در مبارزه با دولتهای فئودالی و یا بورژوائی استعمارگر، جهت رسیدن به قدرت و به دست آوردن بازار داخلی در منطقه ملت نشین، پذیرفت. اما سرمایه داری توسعه طلب هرگز زیر بار آن نرفت و برای به زیر استعمار و سلطه درآوردن کشورها، به اقصا نقاط جهان لشکر کشید. زیرا حاکمیت سرمایه مالی در شکل انحصارات جهان خوار نیازی به شناسایی این حق دموکراتیک نداشت.

امروز از یک سو امپریالیسم فراملی‌ها برای سلطه جهانی اش مرزها را درهم می‌ریزد تا صدور سرمایه و کالا بدون هیچ قید و شرطی آزاد باشد و در پیمانهای نظیر اروپای متحد و پیمان نفتا در آمریکای شمالی در صدد ایجاد ابرکشورهاست و از سوی دیگر برای رسوخ در کشورهای مزاحم (نظیر روسیه و یوگوسلاوی) و دیگر کشورهای فقیر سه قاره (نظیر عراق و چه بسا فردا ایران) برای تجزیه ی آنها به توطئه مشغول است. و این عمل مداخله‌گرانه و تجاوزکارانه اش را که به کمک ارتشهای تا دندان مسلح امپریالیستی انجام می‌دهد، با ادعای آوردن دولتهای خاطی روی خط "دموکراسی" و مبارزه با دیکتاتوری، مزین کرده است!

مقاومت مسلحانه‌ی مردم عراق علیه اشغال نظامی به مدت بیش از ۲/۵ سال که با کشته شدن بیش از ۱۰۰ هزار نفر مردم عادی و معلول شدن صدها هزار نفر، هم راه با ویرانی عظیم این کشور که صدها برابر خشن‌تر از دیکتاتوری صدام حسین است و اعتراضات مکرر در مکرر مردم آمریکا علیه این اشغال‌گری، نشان می‌دهد که گوش امپراتور سرمایه، بدهکار فریادهای آزادی طلبانه‌ی مردم نیست. اما مقاومت و مبارزه ی مردم عراق، آمریکا و سراسر جهان علیه اشغال‌گری، خواب راحت از چشم امپراتور بوش ربوده است. گرچه ممکن است در شرایط عدم توازن نیرو، ارتشهای امپریالیستی بتوانند چند صباحی بر عراق حکم رانده و آنرا چون گوشت قربانی تکه‌پاره کنند، اما در قرن ۲۱ تصور این که آنها قادر خواهند شد لقمه چرب عراق را به راحتی از گلوی‌شان پانین بدهند، بعید به نظر می‌رسد. لذا آن چه که از این ره‌گذر نصیب امپراتور خواهد شد، نفرت باز هم بیشتر مردم جهان از امپریالیسم و تلاش برای پایان دادن به حاکمیت سرمایه بر جهان است.